

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهران زنگنه
۲۸ اکتوبر ۲۰۱۷

چرا در کرکوک مقاومت صورت نگرفت؟

چیزی در دنمارک (کردستان) فاسد است (هاملت)

ستراتژی که بر اساس امید و نه بر پایه تحلیل مشخص وضعیت و تناسب عینی قواء باشد، محکوم به شکست است. کرکوک و مناطق مورد مناقشه را نیروهای دولت مرکزی عراق اشغال کردند. به این اعتبار می‌توان گفت: رهبران کرد شکست خوردند. چرا شکست؟ علل عمده آن را می‌توان چنین صورتبندی کرد: (۱) برآورد غلط از ستراتیژی امریکا، امید به دخالت این کشور و در نتیجه عدم محاسبه امکان هماهنگی امریکا با نیروهای ایران، ترکیه و دولت مرکزی در اشغال مناطق مورد مناقشه کردستان (۲) به واسطه عدم محاسبه واکنش دولت مرکزی یعنی اعزام نیروی نظامی (عدم آمادگی برای درگیری همه‌جانبه در کردستان (یا بهتر گفته شود عدم خواست یک درگیری همه‌جانبه) در عین زیر سؤال بردن حاکمیت ملی دولت مرکزی عراق از طریق رفتارندم نابهنگام، به خصوص در مناطق مورد مناقشه. (۳) فساد دولت حاکم بر کردستان، فساد سیاسی-اخلاقی دو حزب حاکم و خواست تضمین امتیازات‌شان.

امریکا

اگر چه مهمترین هدف سیاست امریکا در منطقه در نهایت «تغییر رژیم» در ایران است، و همانطور که در مقاله «رفراندم در کردستان عراق و امکان بالکانی کردن ایران و خاورمیانه»^۱ خاطر نشان شد بخشی از دولتمردان امریکائی، عمدتاً محافظه‌کاران جدید، ستراتیژی بازترسیم نقشه خاورمیانه را دنبال می‌کنند، اما تناسب قوای فعلی چه در سطح امریکا، چه در سطح بین‌المللی، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح عراق امکان تحقق بلاواسطه و فوری

^۱ رجوع شود به:

<http://roshangari.info/?p=16146>

و یا

<https://mejalehhafeh.com>

این ستراتیژی‌ها را نمی‌دهند، اگر ایران مستقیماً وارد جنگ در کردستان نشود و یا در سوریه اتفاقی مثلاً درگیری بین اسرائیل و ایران رخ ندهد.

در سطح امریکا، با انتخاب ترامپ که در خطوط کلی عناصری نفوناپارتنیستی در دولتش دیده‌ایم، هیأت حاکمه یک پارچه نیست و قادر نیست سیاست عملی یک پارچه‌ای، حتی در مورد ایران که کم و بیش همه جریان‌ها در لزوم تغییرات سیاسی در آن هم‌أی‌اند، صورتبندی بکنند. این وضعیت به خصوص مانع پیشبرد سیاست و ستراتیژی جدیدی که ترامپ در رابطه با روسیه بدان تمایل داشته، شده است؛ -سیاستی که در صورت موفقیت می‌توانست چهره سیاسی جهان و نقش اروپا را در آن تغییر دهد. عدم وجود هم‌أی‌ی در مورد عراق و سوریه را نیز می‌توان دید.

در سطح بین‌المللی، روسیه که در زمان جنگ دوم عراق مشغول بازسازی نیروهای خود بود و حکم یک ناظر را داشت، اکنون مجدداً فعال شده است و می‌تواند و می‌خواهد ادعاهای امپریالیستی خود را دنبال کند، به قسمی که برخی از آغاز جنگ سرد دوم سخن می‌گویند، در حالی که جبهه غرب (اروپا و امریکا) دچار شکاف است.

در سطح منطقه‌ای امریکا هنوز درگیر جنگ با دست‌پرورده خود داعش^۲، بحران خلیج [فارس] و غیره است و باید با توجه به نتایج ستراتیژی «تغییر رژیم» در سوریه و نتایج بازترسیم نقشه خاورمیانه رژیم بوش دوم (جنگ دوم عراق) مجدداً قوای خود را آرایش بدهد؛ -امری که به زعم من نیاز به زمان دارد به خصوص باید تا پایان جنگ و روشن شدن سرنوشت سوریه هر آرایشی را موقت تلقی کرد.^۳ این امر شامل بازتعریف رابطه با ترکیه نیز است که به ویژه در پی اتحاد امریکا و کردها در سوریه و پس از کودتای نافرجام در ترکیه به شدت تیره شده است.

در سطح عراق در لحظه کنونی فضای بازی برای امریکا بسیار تنگ است. یکی از مؤلفه‌های ستراتیژی امریکا در عراق ایجاد شکاف بین دولت عراق و ایران و مؤلفه دیگر، حفظ نفوذ خود در میان کردها در عین مقابله با نفوذ ایران بین آنان است. از این رو چرخش امریکا به هر سو با افزایش نفوذ ایران در سوی دیگر همراه خواهد بود. فاکتور دیگر در این سطح امکان نفوذ روسیه در عراق است. روسیه در این لحظه سیاست انتظار را در پیش گرفته است و به نظر می‌رسد اگر امریکا یکی از طرفین درگیر را رها کند، روسیه خلاء را پر خواهد کرد. باید توجه داشت، یکی از عوامل تعیین کننده در سیاست روسیه در عراق نقش کردها در سوریه است.

در این روند امریکا در عراق خود را مجبور دیده است از العبادی در مقابل سایر رقباء که نزدیک به ایران اند دفاع بکند، چرا که به نظر می‌رسد العبادی حداقل در رابطه با ایران نسبتاً مستقل عمل می‌کند. عدم وجود العبادی می‌تواند تناسب قوای شکننده را به نفع ایران به هم بزند. خواست دیگر امریکا که پیش‌شرط آن آرامش در عراق است انحلال حشد الشعبی و در نتیجه از بین بردن یکی از مجراهای نفوذ ایران است. تحقق این خواست که حتی در صورت آرامش بسیار مشکل است^۴، در صورت بروز جنگ غیر ممکن است. علاوه بر آن، در حاشیه باید گفت، وجود نیروهای

² حتی هیلیری کلینتن نیز گفته است: ما داعش را به وجود آورده‌ایم. و مک‌کین: ما داعش را تأمین مالی کرده‌ایم. در ویدئوهای زیر به ترتیب:

<https://www.youtube.com/watch?v=FsIp1TDwFLs>

<https://www.youtube.com/watch?v=SOGK57xs5Ro>

³ در متنی دیگر به طور مفصل به رژیم سوریه و ستراتیژی امریکا (غرب) و نتایج آن به خصوص برای کردها پرداخته خواهد شد.

⁴ حشدالشعبی در چارچوب عراق فقط نفوذ ایران را تضمین نمی‌کند، بلکه سازمانی است که وزن شیعیان خود عراق را در روابط قدرت در سطح عراق تضمین می‌کند. ساده‌لوحانه است اگر بپذیریم خواست انحلال این سازمان فقط برای جلوگیری از نفوذ ایران مطرح می‌شود.

نظامی آمریکا در عراق ظاهراً با اجازه دولت عراق و به این اعتبار قانونی است و تداوم شکل به ظاهر قانونی با وجود العبادی میسر است.

دفاع از العبادی و پیروزی او در انتخابات آتی عراق که خواست موقت امریکاست، صرفنظر از عوامل دیگر در دور فعلی بازی و در کوتاه مدت به آمریکا اجازه نمی‌دهد که خطر کرده و سیاست ظاهراً مبتنی بر بیطرفی خود را رها کند. از این رو می‌توان گفت دلیل بلاواسطه این که آمریکا از کردها خواست رفراندوم را برای ۲ سال به عقب بیندازند، احتمالاً انتخابات ۲۰۱۸ در عراق است. خواستی که کردها آن را با انجام رفراندوم ندیده گرفتند و بر اساس باقل طالبانی (یکی از رهبران عملی جبهه میهنی در یک مصاحبه تلویزیونی با فرانس ۲۴) اشتباه عظیم رهبران کرد بوده است.^۵ این اشتباه به زعم من نه فقط لطمه به حاکمان کردستان زد، بلکه آمریکا را نه فقط در عراق، بلکه در سوریه نیز دچار دردرس کرد.

در عین حال نگاهی به لیست آنچه آمریکا در صورت حمایت از کردها به دست می‌آورد و از دست می‌دهد، کافی می‌بود، برای این که بارزانی حداقل امروز روی آمریکا حساب زیادی نکند. اما بارزانی با احمق است و سخنوری‌های میان‌تهی معمول غرب در مورد حقوق بشر و آزادی که برای روسازی (مشروعیت بخشیدن) دخالت‌های آنان در کشورهای پیرامونی است، را باور کرده است، که گمان نمی‌رود تا این حد ساده‌لوح باشد، یا این که با امید به دخالت جریان محافظه‌کاران جدید در آمریکا و اسرائیل به خصوص در مقابل دشمن مشترکشان ایران رفراندوم را سازمان داده است که احتمال آن وجود دارد.

صرفنظر از موارد فوق بارزانی دچار یک اشتباه ساده‌لوحانه مهلک شده است: عدم به حساب آوردن واکنش نظامی دولت مرکزی عراق. در حالی که معنای عینی رفراندوم (به خصوص در مناطق مورد مناقشه و در میان آن‌ها به ویژه در کرکوک) زیر سؤال بردن حاکمیت ملی دولت مرکزی و به مبارزه طلبیدن آن است، وقایع اخیر نشان می‌دهند که او به هیچ رو خود را برای یک رودروئی نظامی آماده نکرده بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت بارزانی اسلحه کشید برای این که شلیک نکند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت رفراندوم فقط تاریخ درگیری را به جلو کشاند و گرنه در هر صورت دولت مرکزی در آتیه آن می‌کرد که امروز کرده است، چرا که دولت کردستان و دولت مرکزی از زمان تشکیل‌شان به کرات حقوق یک دیگر را ندیده گرفته بودند، و رابطه قدرت بین این دو دیر یا زود می‌بایست مجدداً تعریف می‌شد. العبادی که سال آینده می‌خواهد دوباره انتخاب بشود، باید تحت فشار شرایط و نیروهای دیگر واکنش نشان می‌داد، حتی اگر خودش نمی‌خواست.

گریز بارزانی از پذیرش اشتباهات

سیاست گریز از پذیرش مسؤلیت شکست و عدم پذیرش نتایج ناشی از آن در شرق (ایران، عراق و ...) و تمام احزاب و جریان‌های سیاسی با ساختارهای اقتدارگرا و رهبران مادام‌العمر آنان امری رایج است و ما (ایرانیان) با آن کاملاً آشنا هستیم. این سیاست اما در شرایط فعلی کردستان وضعیت خطرناکی ایجاد کرده است. کمی از نزدیک به مسأله بنگریم: در حالی که در شرایط فعلی، با فرض عدم دخالت غرب، هر جنگ منظمی بین کردها و نیروهای دولت مرکزی عراق (و متحدینش در منطقه) با توجه به تناسب قوای نظامی به شکست کردها در آن جنگ منظم منجر می‌شد و می‌شود، و اصولاً صرفنظر از این که زد و بندی صورت گرفته است یا خیر، جنگ نمی‌توانسته است کردها را در کوتاه مدت به

⁵<http://www.france24.com/fr/1019207-entretien-bafel-talabani-kirkouk-accusation-trahison-bagdad-teheran>

نتایج دلخواه برساند، نیروهای مسلط بر کردستان (حزب دمکرات و جبهه میهنی) وانمود می‌کنند که می‌توانسته‌اند و می‌خواسته‌اند بجنگند و از مناطق مورد نظر دفاع کنند و هر یک دیگری را متهم به خیانت می‌کنند. (رجوع شود به عکس ۱)

توضیح شکل ۱: طالبانی می‌گوید: پیشمرگه‌های اتحادیه چند ساعت جنگیدند، متأسفانه پیشمرگه‌های حزب دمکرات بدون شلیک یک گلوله فرار کردند و بارزانی می‌گوید کرکوک توسط اتحادیه میهنی به خاطر درآمد شخصی و ترس به ایران فروخته شد. (ترجمه آزاد)



آیا خیانتی صورت گرفته است؟ طبعاً خیانتی صورت گرفته است. اما این خیانت، در

اجتناب از جنگ نهفته نیست آنطور که دو جریان مذکور وانمود می‌کنند، بلکه باید آن را در جای دیگر جست و جو کرد. هر دو جریان، حزب دمکرات و اتحادیه میهنی در جلسه ای در روز یکشنبه، روز قبل از شروع حمله دولت مرکزی، طبق گزارش نشریه انگلیسی ایندپندنت، به دلیل ضعف نظامی توافق کرده بودند، جنگ نکنند و از مناطق مورد مناقشه عقب نشینی نکنند، اما فرمان عدم جنگ به همه فرماندهان پیشمرگه همزمان و به موقع نرسیده است.^۶ احتمال صحت این گزارش را وقتی می‌بینیم که بپرسیم چرا نیروهای حزب دمکرات و ۶۰۰۰ پیشمرگه‌ای که کسرت رسول علی^۷ به کرکوک فرستاده بود، مقاومت نکردند؟ و اگر مقاومت در کرکوک غیر ممکن بوده است چرا در سنجار (و اصولاً در شمال کردستان) که نیروهای اتحادیه میهنی حضور جدی ندارند مقاومتی همه جانبه صورت نگرفت؟ با عدم وجود پاسخ به سؤالات به پوچی اتهامات پی می‌بریم. همین سؤالات را می‌توان در مورد عدم مقاومت جداگانه

⁶ <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/iraq-kirkuk-battle-withdrawal-peshmerga-baghdad-latest-advance-disaster-a8006036.html>

یک خبرنگار ترک در بی بی سی ترکی می‌نویسد: مسعود بارزانی، نجیروان بارزانی از حزب دمکرات، فواد معصوم رئیس جمهور کرد عراق، هیرو ابراهیم احمد، کسرت رسول علی، باقل طالبانی، ملا بهتیار از اتحادیه میهنی در جلسه شرکت داشتند.

<http://www.bbc.com/turkce/41717989>

منبع دقیق خبر را خبرنگار ترک ذکر نکرده است، بلکه نوشته است: منابع مختلف کرد. از این رو خبر موثق نیست و فقط می‌توان همچون گزارش ایندپندنت در پرتو تحلیل آن را مورد بررسی قرار داد. در زیر گوشه‌ای از خبر فوق را به انگلیسی می‌توان خواند:

<https://www.dailysabah.com/columns/nagehan-alcı/2017/10/25/barzanis-to-do-list-after-kirkuk-crisis>

گزارشاتی در مورد ملاقات سلیمانی با رهبران کرد در نشریات رژیم ایران نیز موجودند. اما روشن نیست رهبران کرد چه کسانی هستند. آنچه مشخص است سلیمانی و امریکانی‌ها، هر دو، باید در این معامله نقشی ایفاء کرده باشند. اما این که فقط یکی از دو حزب، یعنی اتحادیه میهنی در معامله شرکت داشته اگر چه ممکن است اما مسجل و معقول نیست.

⁷ کسرت رسول علی یکی از رهبران اتحادیه میهنی است که خواستار جانشینی رهبر فقید حزب طالبانی است. در عین حال از نظر سیاسی بسیار نزدیک به بارزانی بوده است و یکی از حامیان رفتارندم در اتحادیه میهنی محسوب می‌شود.

اتحادیه میهنی پرسید. گفته فلاح مصطفی بکیر (وزیر امور خارجه کردستان) به سی ان ان که کردها هرگز مایل به جنگ نبودند،^۸ نیز دلالت بر صحت گزارش ایندیندنت می‌کند، اگر چه به زعم من «بدون حمایت خارجی» را باید به گفته او افزود. به علاوه نیروهای امریکائی نیز در بیانیه‌ای گفته‌اند که ورود نیروهای عراقی به مناطق مورد بحث حرکتی هماهنگ شده است و درگیری‌ها ناشی از سوءتفاهم‌اند.^۹ بیانیه اخیر و جلسه فرماندهان پیشمرگه با رهبران نیروهای ائتلافی (غرب) در خلال عملیات نشان می‌دهد امریکا در هماهنگی عقب نشینی نیروهای کرد دخیل بوده است.^{۱۰} سند اخیر در واقع مبین این است که هم حزب دمکرات و هم اتحادیه میهنی در این هماهنگی شرکت داشته‌اند. بسیار دور از ذهن است و اصولاً غیرممکن می‌نماید که امریکائی‌ها فقط با اتحادیه میهنی که متحد ایران است هماهنگی کرده و با متحد اصلی‌شان در کردستان یعنی حزب دمکرات هماهنگی نکرده باشند.

جدا از این گزارشات، گفته یکی از ناظران در مورد نحوه اشغال مناطق مورد مناقشه قابل توجه است. او می‌گوید نحوه ورود سربازان عراقی بدون رعایت هر گونه موازین نظامی و جنگی، بر حسب عکس‌ها و فلم‌های موجود، نشان می‌دهد که باید توافقی بین حزب دمکرات و اتحادیه میهنی در مورد عدم جنگ صورت گرفته باشد.

طبق گزارش‌های موجود نجیروان بارزانی و قباد طالبانی، دو طرفی که یک دیگر را به خیانت متهم می‌کنند، قرار است به عنوان نمایندگان دولت کردستان، با استقبال دولت مذکور از پیشنهاد العبادی با او در مورد آتیه عراق و کردستان مذاکره بکنند.^{۱۱} اگر خیانتی صورت گرفته است، و یکی یا هر دو در ذکر این اتهام جدی هستند، چرا خیانت پیامدی برای ترکیب دولت کردستان و حداقل تأثیری در انتخاب نمایندگان دولت کردستان در مذاکرات ندارد؟ و هنوز همکاری‌ها بین دو حزب حتی در سطح پارلمان تشریفاتی کردستان عراق نیز ادامه دارد.^{۱۲} چرا کار طبق معمول^{۱۳} ادامه دارد و ...

⁸ <http://uk.reuters.com/article/uk-kurds-iraq-crisis-mideast/kurdistan-never-intended-to-engage-in-war-with-iraq-foreign-minister-says-idUKKBN1CO09M?rpc=401&>

⁹ <http://www.centcom.mil/MEDIA/NEWS-ARTICLES/News-Article-View/Article/1343292/coalition-statement-on-military-movements-near-kirkuk/>

¹⁰ منبع خبر جلسه هوار علی روزنامه نگار، دستیار مدیر خبری کردستان ۲۴ تی‌وی و کا ۲۴ انگلیسی که نزدیک به بارزانی است، در یک توویت روز دوشنبه ۱۶ اکتوبر روز قبل حمله نیروی دولت مرکزی به کرکوک می‌نویسد: فرماندهان پیشمرگه در حال ملاقات صحبت با فرماندهان ائتلاف بین‌المللی در مورد کرکوک و حشد الشعبی هستند.

<https://twitter.com/HawarAAli/status/919824586212020224>

¹¹ <http://www.kurdistan24.net/en/news/0b104217-bae9-4f47-9d7e-8421e3eaa14f>

¹² نمایندگان حزب دمکرات، اتحادیه میهنی و اتحادیه اسلامی کردستان، بدون حضور سایر نمایندگان، انتخابات ماه آینده را معلق و دوره نمایندگی خود را تمدید کردند. این در حالی است که بر حسب توویت گوران بنابر قانون کردستان پارلمان فقط می‌تواند با ۳/۲ آراء مجموع نمایندگان یعنی ۷۴ نفر حداکثر یک ماه دوره پارلمانی را تمدید کند و فقط ۶۸ نفر اعضای پارلمان حاضر بوده‌اند. گوران این عمل را محکوم کرده و غیر قانونی خوانده است.

https://twitter.com/Gorran_Change

<http://www.rudaw.net/english/kurdistan/241020171>

<http://www.knnc.net/en/full-story-63891-28-False>

¹³ Business as usual

تشکیل هیأت بررسی علل سقوط کرکوک توسط اتحادیه میهنی که به یقین سهم بزرگی در شکست داشته است، نیز نمایشی مضحک بیش نیست.

علت عدم جنگ طبعاً صلح‌دوستی حزب دمکرات و اتحادیه میهنی نیست. این دو جریان در تاریخ کردستان (و به خصوص در جنگ داخلی سال‌های ۹۰ در کردستان) نشان دادند که برای حفظ منافع خود از هیچ کاری ابا ندارند. صرفنظر از دلیل اصلی، یعنی عدم حمایت امریکا، به نظر می‌رسد که علت عدم جنگ امکان از دست دادن مکان مسلطی است که این دو حزب در کردستان کسب کرده‌اند. یا به عبارت دیگر امتیازات این دو نیز نقشی ایفاء می‌کنند. هر دو در حکومت کردستان و عراق شریکند، هر دو سهمی از منابع نفتی را دریافت می‌کنند و از این مجرا ثروتی افسانه‌ای به هم زده‌اند و غیره.^{۱۴} این دو جریان اگرچه نمی‌توانند یک ستراتیژی کارآ طراحی کنند، ولی هر دو می‌دانند که نباید در شرایط فعلی به جنگی تن داد که نتایج آن از پیش روشن نیست و در اثر آن ممکن است تمام امتیازاتشان را از دست بدهند.

اما چرا بارزانی‌ها و طالبانی‌ها به یک دیگر چنین اتهاماتی می‌زنند؟ با توجه به رفتارند برای استقلال کردستان و دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی مردم، اکنون هیچ یک حاضر نیستند، مسؤلیت خروج از مناطق مورد بحث را برعهده بگیرند و به مردم (به خصوص پیشمرگه‌ها و جوانانی) که به واسطه تبلیغات ناسیونالیستی انتظار داشتند، مقاومتی صورت بگیرد و سر خورده شده‌اند، نمی‌توانند بگویند اصلاً قرار نبوده است مقاومتی صورت بگیرد. با وجود این هنوز خطر جنگ، در پرتو اوج‌گیری احساسات ناسیونالیستی و وجود نیروهائی در بدنه پیشمرگه‌های دو حزب و جوانانی که خواهان جنگند، فعلیت دارد. این امر میسر است اگر رهبران دو حزبی که هنوز مشغول اتهام زدن به یک دیگر اند، نتوانند اوضاع را کنترل بکنند و مقهور جوی بشوند که خود آن را تولید کرده‌اند.

یک عامل دیگر نیز به احتمال بروز جنگ می‌افزاید که باز بر یک محاسبه غلط استوار است: محدود کردن دامنه شکست پس از رفتارند از طریق درگیری‌های پراکنده. احتمالاً بارزانی با سازمان‌دهی درگیری‌های پراکنده سعی می‌کند، خطر جنگ را به عنوان یک کارت برای مذاکرات احتمالی آتی و تثبیت خویش برجسته کند. امری که باز به معنای کشیدن تفنگ برای شلیک نکردن است اما ممکن است به نتایج فاجعه‌آمیز غیر قابل پیش‌بینی منجر شود.

مبارزه در درون اتحادیه میهنی بر سر رهبری نیز احتمال جنگ را زیاد می‌کند. به خصوص که حداقل یکی از مدعیان رهبری، کسرت رسول علی، که یکی از رهبران نظامی است، تمایل نشان داده است از احساسات ناسیونالیستی و جنگ به نفع خود برای کسب رهبری استفاده بکند. او در مقابل برخی از رهبران اتحادیه که از رفتارند حمایت نکرده‌اند، از رفتارند حمایت کرده است و در پی اشغال کرکوک صحبت از خیانت می‌کند.

صحنه سیاسی در کردستان و دسیسه‌های دو حزب علیه یک دیگر که انسان را به یاد نمایش‌های شکسپیر می‌اندازد، به یک احتمال، یعنی جنگ داخلی در کردستان، اگر چه ضعیف، نیز اشاره دارد. در این لحظه نیروی مشخص، سازمان‌یافته و مؤثری نیست که قادر به جلوگیری از آن باشد، در حالی که دشمنان کردها، بالاخص دولت ایران و دولت مرکزی مخالفت چندانی با آن ندارند، چرا که نتیجه‌اش تقسیم مجدد کردستان خواهد بود. یک چنین جنگی، در واقع تحقق بدترین سناریوی ممکن است؛ -بدترین چراکه همچون رفتارند تعلیق خواست آزادی و عدالت را برای مدتی به دنبال خواهد داشت.

¹⁴ مسأله فساد و مکانیسم‌های آن در کردستان عراق باید موضوع یک تحقیق جداگانه قرار گیرد.

مانور بارزانی که حتی احزاب و جریانات غیر محلی را به دنبال خود کشاند و بدل به زائده خود کرد و هدفش حل بحران هژمونی بود که نمود آن را در شکلگیری گوران و احزاب دیگر، اوجگیری اعتراضات به عدم وجود آزادی و عدالت و اعتراض به فساد دیده‌ایم، اگر چه شکست خورد، اما این شکست به معنای پایان یافتن دوران زندگی دو حزب حاکم نیست. پایان حیات این دو منوط به تسلط خواست صلح، آزادی، عدالت و مبارزه با فساد بر حیات اجتماعی در کردستان است. آیا نیروهای مردمی می‌توانند مردم را حول این خواست‌ها سازمان بدهند؟ بالقوه این امر میسر است، اما بالفعل؟ سوالی است که نمی‌توان به آن پاسخ داد. هم اکنون گوران و چند حزب دیگر دور جدید را با خواست استعفای بارزانی و تشکیل یک دولت موقت گشوده‌اند. احتمال استعفای بارزانی که ۲۰۱۶ اعلام کرده بود تا زمانی که دولت مستقل کردستان تشکیل نشود، من دست از قدرت بر نمی‌دارم¹⁵، موجود است، اگر او نتواند مسؤلیت شکست را به دیگران نسبت بدهد و تحت شرایط نسبتاً «آبرومندی» مذاکرات شروع نشوند. اما احتمال تشکیل یک دولت موقت در پرتو خطر جنگ و خطر تقسیم کردستان کمتر است! این در حالی است که احزاب حاکم که احتمال می‌دهند، در صورت انتخابات جدید شکست خواهند خورد، انتخاباتی را که قرار بود ماه آینده برگزار شود، به بهانه وجود درگیری‌های پراکنده، حداقل برای مدت ۸ ماه معلق کرده‌اند.¹⁶ این امر مبین این است که احزاب حاکم حاضر نیستند، به روند تغییر در دستگاه حاکم تن بدهند و فقط به آنان باید این تغییرات تحمیل بشود. چگونه؟ به این سوال باید فرودستان و سازمان‌هایشان جواب بدهند.

¹⁵ <http://ekurd.net/calls-barzani-step-down-2017-10-23>

¹⁶ رجوع شود به زیرنویس ۱۲.